

مسئولیت دولت در جبران خسارت قربانیان کرونا

نسرين مهرا*

چکیده

یکی از ایده‌های نوظهور در زمینه حمایت از قربانیان، مسئولیت دولت در زمینه جبران خسارت از قربانیان است و از دسته قربانیان می‌توان افرادی را نام برد که در اثر یک حادثه اجتماعی و در نتیجه قصور دولت، متحمل زیان و خسارتی اعم از مادی یا معنوی می‌شوند. ظهور پر قدرت ویروس کووید-۱۹ را می‌توان از این دسته عوامل قربانی‌کننده دانست که واکنش دولت را در زمینه جبران خسارت طلب می‌کند. هدف از این مقاله ارائه درکی بهتر از وضعیت حقوقی کشور برای پاسخ به قربانیان پدیده‌های اجتماعی است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی در پی آن است که مبانی جبران خسارت دولتی را در نظام حقوقی ایران تعریف کند و نهادهای قابل اتکا در این زمینه را معرفی نماید. با این حال، آنچه در این زمینه به عنوان یک مقدمه ضروری باید مورد توجه قرار داشته باشد، جدا کردن موضوع از رویکردهای سیاسی و مدیریتی و اعطای مدیریت مستقل به آن است.

کلیدواژگان:

جبران خسارت دولتی، حمایت از قربانیان، کرونا، کووید-۱۹.

* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

در اواخر سال ۲۰۱۹، موضوعی جدید در حوزه پزشکی، جهان را تکان داد و آن ظهور ویروسی جدید در سرزمین چین بود که نام کووید-۱۹ بر آن نهاده شد. این ویروس در آغاز سال ۲۰۲۰ دنیا را از همه جهت به تکانی شدید واداشت. پیامدهای اقتصادی و سیاسی این ویروس نوظهور به حدی است که در توضیح آن نیاز به هیچ گفته‌ی اضافه‌ای نیست. در یک سوی ماجرا، تکلیف دولت‌ها مبنی بر سلامت شهروندان قرار دارد و در سوی دیگر جبران زیان‌های وارد بر افراد.

یکی از پیامدهای انسانی این ویروس، مردن تعداد نسبتاً زیادی از انسان‌ها است که همراه با پوشش گسترده رسانه‌ای باعث ایجاد ناامنی روانی بسیاری در جهان شده است. فارغ از همه ابهامات، تردیدها و حتی منافی که برای این ماجرا مطرح می‌شود، نکات حقوقی مهمی از باب مسئولیت دولت‌ها قابل طرح است. از حیث حقوقی، بی‌تردید اپیدمی رخ داده مصداق یک قوه قهریه است که می‌تواند اجرای بسیاری از تعهدات قراردادی را معوق کند، ولی هم‌زمان می‌تواند قربانیانی را در جامعه ایجاد کند که علاوه بر هزینه‌های بهداشتی و پزشکی کشور، باعث تحمیل هزینه‌های سنگین بر افراد نیز شود.

از نگاه حقوق کیفری، در یک سو مسئولیت کیفری دولت در خصوص انتشار ویروس و اقدامات کاهلانۀ دولت‌ها در زمینه مقابله و اطلاع‌رسانی در مورد آن مطرح می‌گردد و از سوی دیگر موضوع جبران خسارت‌های جسمانی وارده به قربانیان مستقیم بیماری و نیز خسارت‌های روانی وارده به جامعه ناشی از بار روانی تحمیل شده در نتیجه پوشش رسانه‌ای همراه با اغراق از وقایع مربوطه، قابل طرح است. اگر بپذیریم که قربانیان حوادث به جبران خسارت نیازمندند، می‌توان اصول کلی حاکم بر جبران خسارت دولتی را در خصوص اپیدمی ویروس کووید-۱۹ نیز قابل اعمال دانست.

مسئولیت کیفری دولت در این باره با همهٔ مباحث خاص خود نیازمند مجالی مستقل است که جایگاه خاص و مباحث مختص به خود را دارد^۱ و از این رو تنها به بُعد دوم مسئولیت دولت، یعنی مسئولیت جبران خسارت، پرداخته خواهد شد.

پرسش اولیه و ابتدایی که همواره در مباحث مربوط به این موضوع مطرح گردیده، این است که چرا دولت باید مسئولیت جبران خسارت را بر عهده داشته باشد؟ و با توجیه این موضوع، با چه ابزارها و شیوه‌هایی دولت باید نسبت به این امر اقدام کند؟ واقعیت این است که دولت‌ها امکانات نامحدود برای برخورد با تمامی فجایع اجتماعی در اختیار ندارند و از این رو در اولویت‌بندی برنامه‌ها، باید موضوع دارای اولویت قلمداد شود تا بتوان دولت را نسبت به آن مسئول دانست.

۱. مبانی جبران خسارت توسط دولت

برای طرح موضوع، نخستین پرسشی که باید پاسخ داده شود، این است که چرا دولت باید از حیث منطقی در موارد ایراد ضرر به افراد مسئول جبران خسارت قلمداد گردد؟ سابقهٔ طرح موضوع در حقوق کیفری، ما را با مبانی چندی در زمینهٔ جبران خسارت‌های ناشی از جرم توسط دولت آشنا می‌کند که قابل اعمال در موضوع مورد بحث یا سایر بحران‌های اجتماعی، زیستی، سیاسی و ... است. این مبانی را می‌توان به صورت خلاصه به شرح زیر بیان کرد:

۱.۱. نظریهٔ قرارداد اجتماعی

نظریهٔ قرارداد اجتماعی در سال ۱۷۶۲ توسط ژان ژاک روسو در قالب کتاب *قرارداد اجتماعی* پا به عرصهٔ افکار عمومی نهاد. بر اساس این نظریه، شهروندان با الحاق به قرارداد اجتماعی، بخشی از آزادی‌های خود را به دولت واگذار، و در عوض امنیت را مطالبه می‌کنند. امنیت در این

۱. حکم قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۴۳ این قانون مؤید پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به طور کلی است که البته فرد اجلای اشخاص حقوقی نیز دولت‌ها هستند. با این حال، در تبصره ماده ۲۰ به نوعی حکم ← کیفری دولت‌ها، رک: موسوی مجاب، سید درید و علی رفیع‌زاده، *دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی*، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱۳، صص ۱۶۹ - ۱۴۷؛ حاجیوند، امین، فرشید صفری، علیرضا میرکمالی و امید سروی سرمیدانی، *مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست محیطی در ایران ضرورت‌ها و چالش‌ها*، فصلنامه علوم محیطی، دوره شانزدهم، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲، صص ۸۲-۶۵؛ باقرزاده، محمد رضا، *بختی دربارهٔ مسئولیت کیفری دولت*، مجله معرفت، مهر و آبان ۱۳۷۹، شماره ۳۶، صص ۴۳ تا ۵۱.

معنا به معنای امنیت جسم و روان است و از این رو زمانی که در اثر بروز یک پدیده اجتماعی آسیبی به افراد وارد شود، دولت بر اساس تعهد موضوع قرارداد مذکور، ملزم به جبران خسارات وارده است. مخصوصاً اگر توجه داشته باشیم که مطابق با اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی،^۱ تأمین الزامات بهداشتی شهروندان بر عهده دولت است. با توجه به این الزام دولت، گسترش اپیدمی‌ها در جامعه نقض تعهدات و مسئولیت‌های دولت در زمینه بهداشت عمومی قلمداد می‌شود و با مکانیسم‌های مربوط به مسئولیت مدنی، دولت ملزم به جبران خسارت از زیان‌دیدگان خواهد بود. سرزنش‌پذیری دولت در این رویکرد بر اساس بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری موضوعیت می‌یابد و همین خطای صورت گرفته زمینه‌ساز ظهور مسئولیت حتی در بُعد کیفری خواهد بود. در این نگاه، همان‌گونه که دولت ملزم به تحمل هزینه به منظور رعایت بهداشت عمومی است، به همان نسبت نیز در صورت عدم رعایت این الزام و وقوع زیان به افراد در نتیجه بیماری، ملزم به جبران خسارت خواهد بود.

۱.۲. همبستگی اجتماعی

مفاهیم انتزاعی همبستگی و انصاف، مبنای دیگری را برای جبران دولتی خسارت در اختیار قرار می‌دهد. بر این اساس، انسان‌هایی که در یک جامعه در کنار هم زندگی می‌کنند، به یکدیگر وابسته‌اند و از این رو کمک به شخص قربانی توسط جامعه با مبنای انصاف و عدالت سازگارتر خواهد بود. این دیدگاه را نمی‌توان برخوردار از توجیه منطقی دانست؛ چراکه تنها بر حس انسان‌دوستی و گرایش انسان به عدالت برای تحریک به جبران خسارت توسط دولت بهره می‌برد. با این حال، از حیث واقع‌گرایی و بر اساس مودت اجتماعی، به نوعی تکلیف دولت را بر پایه اخلاقی توجیه می‌کند. همبستگی یا وفاق اجتماعی با توجه به نظم اجتماعی شکل می‌گیرد. هرگاه نظم اجتماعی، بیرونی یا نظم سیاسی باشد، وفاق اجتماعی شکل گرفته در این نوع نظم اجتماعی، غیرطبیعی و تصنعی است و هرگاه نظم اجتماعی، درونی باشد، نظم اجتماعی وفاقی یا

۱. برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

طبیعی شکل می‌گیرد.^۱ به همین دلیل است که از نگاه دورکیم، عمل متقابل مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده همبستگی اجتماعی است و این عمل متقابل در نتیجه تقسیم کار ایجاد می‌شود؛ چرا که تقسیم کار افراد را بیش از پیش به هم وابسته می‌کند.^۲ در این نگاه همبستگی یکی از نمودهای وجدان جمعی است که نتیجه پیشرفت تقسیم کار به صورت تخصصی است.^۳

۱.۳. واقع‌گرایی سیاسی

در دل این دیدگاه، جبران خسارت توسط دولت به عنوان راهی برای کاستن از فشارهای سیاسی وارد بر دولت در نظر گرفته شده است و دلیل تن دادن به چنین امری نیز آن است که چنین فشارهای سیاسی ممکن است هزینه‌های سیاسی بسیاری را برای دولت در پی داشته باشد. از این رو، دولت با پرداخت مبلغی به عنوان جبران خسارت، احساس ناامنی و بی‌عدالتی را خریداری می‌کند و با این عمل باعث کاهش یا تعدیل فشارهای سیاسی وارد بر خود می‌گردد. این به آن دلیل است که در برداشته‌های واقع‌گرا، مصلحت سیاسی توجیه‌کننده همه چیز است و هدف اصلی حفظ نظم و امنیت و مبارزه با آشوب است.^۴ و برای رسیدن به این هدف به همان میزان که خشونت قابل توجیه است، مدارا نیز می‌تواند توجیه‌پذیر باشد. این نظریه که برخی آن را نظریه کاهش هزینه‌ها نامیده‌اند، در واقع نگاهی اقتصادی به جبران دولتی خسارت دارد. با این توضیح که بر خلاف رویکرد مبتنی بر همبستگی، دولت در راستای پاسداشت منافع و ساختارهای خود، نسبت به هزینه کردن به منظور جبران خسارت از بزه‌دیدگان اقدام می‌کند و نه در راستای

۱. حیدری، غلامحسین، **همبستگی اجتماعی در نگاه اسلام**، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۱۳، ص ۹۹.

۲. گیدنز، آنتونی، **جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۷، صص ۷۵۱.

۳. تامپسن، کنت، **نظریه دورکیم درباره همبستگی اجتماعی**، ترجمه مهناز مسمی پرست، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹.

موضوع همبستگی اجتماعی در ایران از زمان مشروطه مطرح شد؛ چرا که قبل از آن عمدتاً فرهنگ بر پایه تنوع قومی، فرهنگی، قبیله‌ای و زبانی استوار بود. برای مطالعه بیشتر رک: بشیریه، حسین، **عقل در سیاست**، تهران: انتشارات نشر نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۴. اخوان کاظمی، بهرام، **دولت و پدیده قدرت از منظر واقع‌گرایی سیاسی**، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و یکم، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۲، ص ۱۱۶.

انصاف و رعایت همبستگی اجتماعی. به عبارت دیگر، در شرایط موجود منافع سیاسی اقتضای چنین نرمشی را دارد.

سه نمونه گفته شده را می‌توان شناخته‌شده‌ترین مبانی در جبران خسارت از بزه‌دیدگان توسط دولت دانست. با این حال، در کنار آنها نگاه‌های دیگری را نیز می‌توان نسبت به موضوع داشت. یکی از این نگاه‌ها را می‌توان رویکرد شرعی به موضوع دانست که وجه غالب آنها در جرایم علیه تمامیت جسمانی است و مطابق با آن خود مسلمان دارای حرمت است. از این رو، در مواردی که جانی مشخص نباشد یا آنکه مفقود باشد، دولت در مقام جانشینی نسبت به پرداخت دیه (به عنوان مصداقی از جبران خسارت)^۱ اقدام خواهد کرد.

۲. راهکارهای جبران خسارت

بی‌تردید صرف بیان دیدگاه‌های تئوری و بحث و بررسی در خصوص آن نمی‌تواند قربانیان حوادث طبیعی را به آرامش رسانده یا موجب اعاده وضعیت آنها به قبل از حادثه گردد. از این رو، طراحی راهکار یا بیان شیوه‌ای عملی برای نیل به این منظور امری ضروری است. این الزامات اولیه برنامه‌ریزی یا طراحی یک فرایند در دل سیاست‌گذاری‌های عمومی است. با این وصف، گام مهم‌تر از توجیه جبران خسارت، پیش‌بینی راهکاری برای اجرای برنامه‌ریزی صورت گرفته است. توسعه این راهکارها از الزامات توسعه پایدار در هر کشور است که محورهای مختلفی را می‌تواند دربرگیرد. مهم‌ترین این محورها به موضوعات مالی و اقتصادی برمی‌گردد، گرچه در کنار آن مسائل مدیریتی یا الزامات اجرایی نیز اهمیت بسیار دارد.

می‌توان یکی از راهکارهای موجود در کشور را که جنبه‌ای قراردادی به خود گرفته است، در قانون بیمه اجباری شخص ثالث دید. ماده ۱۰ این قانون رویکردی را در پیش گرفته است که می‌توان آن را مؤید منطق کلی حاکم بر جبران خسارت دانست و این نشان از آن دارد که می‌توان انتظار داشت برخی از راهکارهای عملی در قانون پیش‌بینی شده باشد. اگر در این ماده تصادفات جاده‌ای، مصداق حادثه‌ای در نظر گرفته شده است که می‌توان الزام به جبران خسارت

۱. در خصوص ماهیت دیه از حیث مجازات بودن یا جبران خسارت بودن بحث بسیار وجود دارد و در این مقال در مقام بیان مفصل موضوع نیستیم، با این حال نمی‌توان بعد ترمیم‌کننده یا جبران‌کننده آن را نادیده گفت.

را در آن موضوعیت داد، بی‌تردید می‌توان در خصوص سایر وقایع نیز چنین حکم کلی را پذیرفت. یکی از بارزترین نمودهای حوادث، وقایعی است که امروزه با آن دست به گریبانیم. بیماری‌های اپیدمی یکی از این موارد است که می‌تواند به عنوان مصداقی از قوای قهریه باعث بروز لطمات ناخواسته پیش‌بینی نشده یا اجتناب‌ناپذیر بسیاری به افراد شود. بسته به گستردگی موضوع، راهکارهای جبران خسارت متفاوت خواهد بود، ولی در دسته‌بندی کلی ارائه شده از انواع خسارت می‌توان جبران آنها را نیز در مقسمی مشابه پیش‌بینی کرد.

۲.۱. جبران خسارت‌های مادی

اگر مطابق با اصل ضرر^۱ به موضوع جرم بنگریم، پدیده‌های مجرمانه بر اساس نتایج زیان‌بار خود تعریف و توضیح می‌شوند. این نتایج زیان‌بار در یک دسته‌بندی دوگانه زیان‌های مادی و معنوی قابل تصور است و زیان‌های جسمانی فرد اجلای زیان‌های مادی است. ویروس کووید-۱۹ همانند سایر ویروس‌های خانواده کرونا به طور جدی به دستگاه تنفسی اثر می‌گذارد و یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی از بدن که به شدت درگیر می‌شود، ریه‌ها هستند که در برخی از موارد لطمه حادث شده برگشت‌ناپذیر است. امروزه از نظر پزشکی، شیوه عملکرد این ویروس روشن شده است و بیشترین آسیب به سیستم تنفسی بیمار و به‌ویژه ریه‌ها وارد می‌شود. اما کماکان پاسخ‌دهی درمانی به ویروس امری دور از دسترس باقی مانده است و گرچه برخی از داروهای عمومی در درمان این بیماری مورد استفاده قرار می‌گیرند، داروی مشخصی برای درمان بیماری وجود ندارد.

فارغ از نواقص پزشکی موجود در این زمینه، نتایج فیزیکی آن کاملاً روشن و چشمگیر و بسیار گسترده است و هراس ناشی از آن با تأثیرات استرسی که بر قلب می‌گذارد، نیز می‌تواند بر پیامدهای موضوع بیفزاید. نتیجه نهایی بیماری می‌تواند مرگ باشد و همین مرگ است که بیشترین فشار را از نظر روانی بر افراد تحمیل می‌کند. در مواردی که نتیجه بیماری مرگ نباشد، ممکن است صدمه شدید به دستگاه تنفسی را در پی داشته باشد. لطمات حادث شده در این

1. Harm Principle.

زمینه مصداق خسارت‌های مادی است که می‌تواند ذیل تکلیف دولت برای جبران خسارت‌های پیش‌بینی شده برای جنایت‌ها قرار بگیرند.

با توجه به اینکه قربانیان ویروس ممکن است مبتلایانی باشند که متحمل زیان‌های جسمانی شده‌اند و نیز می‌توانند قربانیان غیرمستقیمی باشند که متحمل هزینه‌های مالی یا عدم‌النفع ناشی از عدم فعالیت شده‌اند، جبران خسارت‌های مادی می‌تواند عمدتاً در همین راستا بوده و به شکل مالی باشد. جبران این خسارت‌ها به شیوه‌های مختلفی قابل تصور است و بدیهی‌ترین این راهکارها را می‌توان به این شرح برشمرد:

۲.۱.۱. پرداخت دیه برای درگذشتگان و آسیب‌دیدگان

در خصوص جنایات وارده به افراد، خواه به صورت کشنده باشد یا غیر کشنده، مسئول ابتدایی برای اجرای قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد، فرد جانی است و در برخی موارد این مسئولیت از جانی به عاقله جانی (در خصوص دیه) منتقل می‌شود. در کنار این دو مسئول، در برخی موارد دولت نیز به عنوان مسئول پرداخت دیه معرفی می‌شود. مطابق با دیدگاه‌های مورد استناد در مباحث مربوط به قتل، خون مسلمان هدر نمی‌رود و از این رو در مواردی بیت‌المال مسئول پرداخت دیه مقتول می‌گردد. پذیرش این قاعده ذیل عبارات «لایبطل» یا «لایهدر» است. با این حال، این قاعده از جمله دیدگاه‌هایی است که قابل استفاده در موارد عام‌تر است. در خصوص این قاعده در فقه اسلامی علاوه بر اجماع، روایات متعددی وجود دارد که می‌توان ادعای استفاضه و بلکه تواتر در آنها را نمود. از برخی روایات تعبیر عمومی‌تری استفاده می‌شود و آن اینکه حق هیچ مسلمانی نباید پایمال شود. بنابراین حتی اگر در موردی مدیون اعسار داشته باشد و توان پرداخت دین خود را نداشته باشد، دولت مسئول است که از محل بیت‌المال دین او را بپردازد.^۱

با پذیرش این رویکرد عام نسبت به قاعده مورد بحث، جای تردید چندانی باقی نمی‌ماند که لاقلاً برای درگذشتگان بیماری می‌توان به استناد به این قاعده نسبت به پرداخت دیه آنها توسط دولت یا از طریق منابع دولتی اقدام کرد.

۱. محمدی، حمید، **مسئولیت دولت یا حکومت: تبیین مبانی آن در آموزه‌های فقه و حقوق کیفری**

ایران، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیست و یکم، بهار ۹۸، شماره ۶۲ ص ۱۹۸.

با این توضیح، قاعده فقهی لایهدر می‌تواند مبنای قابل اتکایی برای پوشش دادن به خسارت‌های جسمانی حادث شده باشد. با این حال، با توجه به گستره پیامدهای حادث شده توسط کووید-۱۹ می‌توان انتظار داشت که بودجه عمومی کافی برای پوشش دادن همه خسارت‌ها وجود نداشته باشد و برای این منظور می‌توان از بودجه عمومی کشور، بخشی را برای پرداخت دیه درگذشتگان و ویروس اختصاص داد. انجام این امر پس از اراده برای انجام امر، برنامه‌ریزی پایدار و پیش‌بینی بودجه لازم در قانون بودجه سالانه است. در صورتی که چنین الزامی برای دولت ایجاد گردد، می‌توان برای آن یک نقش تشویقی یا محرک در نظر گرفت تا دولت را وادارد الزامات بهداشتی یا پیشگیرانه خود را به صورت جدی‌تری دنبال کند؛ به گونه‌ای که بتواند زیان‌های جسمانی را به حداقل ممکن برساند.

۲.۱.۲. تأمین امکانات درمانی رایگان

در راستای مبارزه با ویروس کووید-۱۹ و پیشگیری از توسعه آن، دولت طرح فاصله‌گذاری اجتماعی را اجرایی کرد که در راستای آن کلیه مشاغلی که به عنوان غیرضروری تعریف شده بودند، از فعالیت ممنوع شدند. با توجه به اینکه طرح مذکور منجر به تعطیلی موقت بسیاری از کسب و کارها شده و افراد بسیاری را از درآمد محروم کرده است، هزینه‌های درمانی برای مبتلایان به ویروس که مشمول این طرح شده باشند، می‌تواند باری مضاعف را بر دوش آنها بگذارد. به علاوه اینکه حتی اگر فرد بیمار مشمول این طرح نشده باشد، نیز مصداق دیدگاه کلی خواهد بود که مطابق با آن «بیماری علاوه بر درد هزینه نیز دارد» و این هزینه‌ها برای تعداد زیادی از افراد جامعه ممکن است بیش از حد توان باشد. از این رو عمل کردن دولت به وظایف اساسی خود مبنی بر تأمین بهداشت و درمان به صورت رایگان، می‌تواند به نوعی مصداق جبران خسارت مادی قلمداد گردد. در نظر گرفتن آزمایش‌های رایگان برای افراد، بستری و درمان رایگان، تأمین داروی رایگان و ... می‌تواند مصداقی از این اقدامات باشد؛ هر چند که کفایت نمی‌کند. با پذیرش این واقعیت که سرعت انتقال ویروس مورد بحث به شدت بالاست و در مقابل، زمان بهبودی آن نسبتاً طولانی است، تحمیل هزینه‌های ناشی از بیماری از یک سو و عدم‌النفع ناشی از تعطیلی مشاغل از سوی دیگر، می‌تواند بار مالی سنگینی را بر افراد جامعه و به ویژه بیماران تحمیل کند. به علاوه باید توجه داشت که با توجه به نبود داروی مؤثر برای این

بیماری، داروهای مرتبط گاهاً با قیمت‌های بسیار بالا در بازار مبادله می‌شوند و این موضوع گویای هزینه‌های بالای درمان ناظر بر این بیماری است.

۲.۱.۳. بخشودگی هزینه‌های دولتی ناظر بر درآمد

طرح فاصله‌گذاری اجتماعی علاوه بر تعطیلی برخی از کسب و کارها، منجر به خانه‌نشینی افراد شاغل و تعطیلی بسیاری از اصناف و مشاغل گردیده است. محرومیت از درآمد از یک سو و افزایش هزینه‌های عمومی (که بنا به اعلام دولت در طی این مدت با افزایش مصرف انرژی‌های خانگی همراه بوده است) ممکن است باعث فشار مالی مضاعف بر شهروندان گردد. این امر می‌تواند توجیه‌گر تصمیمات رفاهی دولت‌ها مبنی بر دادن مهلت مناسب برای پرداخت هزینه بهای انرژی مصرفی یا مالیات و سایر حقوق دولتی مربوط به کسب و کارها گردد. توضیح آنکه در توجیه اقتصادی طرح‌ها یا مشاغل مختلف، ریسک‌های احتمالی پیش‌رو یکی از مواردی است که توجیه‌پذیری اقتصادی طرح را با چالش مواجه می‌کنند. زمانی که در نتیجه یک بیماری اپیدمیک برای مدت زمان طولانی بازگشت سرمایه‌های هزینه شده به تعویق بیفتند، به‌ویژه در طرح‌های اقتصادی خرد، ممکن است نتیجه‌ای فاجعه‌بار ایجاد کند که نتیجه آن از بین رفتن توجیه اقتصادی و در نتیجه تعطیل شدن یک طرح باشد. گرچه دولت عملاً توان اینک همه هزینه‌ها را به صورت کامل جبران کند، ندارد، ولی می‌تواند با کاهش ریسک‌های مشاغل در حوزه‌های دیگر تا حدی از زیان‌های اقتصادی بکاهد. یکی از این حوزه‌های قابل جبران مشخصاً توسط خود دولت مدیریت می‌شود که نمونه آشکار آن پرداخت هزینه‌های دولتی یا هزینه‌های ثابت ناشی از مصرف انرژی است. وضع معافیت‌های مالیاتی، کاهش تعرفه انرژی‌های خانگی، اعطای مهلت برای پرداخت مالیات و بیمه کارفرمایان یا بهای انرژی مصرفی، می‌تواند از جمله تسهیلاتی باشد که می‌توان انتظار داشت دولت نسبت به برنامه‌ریزی در خصوص آن اقدام کند.

۲.۲. جبران خسارت‌های روانی

خسارت معنوی یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در حوزه حقوق کیفری است. چه زمانی که صحبت از جرایمی می‌شود که باعث خسارت روانی می‌شوند و چه زمانی که راهکارهای جبران خسارت معنوی مورد بحث قرار می‌گیرد، فهم درست و مناسب از این مفهوم یکی از چالش‌های اساسی در تصمیم‌گیری است. ضرر معنوی ممکن است به صورت‌های مختلف ظاهر شود؛ گاهی

به صورت لطمه به حقوق مربوط به شخصیت، همچون ضرری که بر شرف، اعتبار و آبروی شخص وارد می‌آید، نظیر قذف، سب، تهمت و افترا. گاهی به صورت درد جسمی که فرد زیان‌دیده از حادثه‌ای دچار آن می‌شود و یا به صورت اختلال روانی حاصل از حادثه‌ای به علت اینکه چهره زیان‌دیده کریه گردیده، ظاهر می‌شود. یا بر اثر جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف مثل غم و اندوه وارده به شخصی که نزدیکان خود را در نتیجه تصادف از دست داده است، نمودار می‌شود.^۱ در این میان، می‌توان از بین رفتن حس امنیت و هراس ناشی از آن را نیز مصداق همین زیان‌های روانی دانست که در برخی موارد می‌تواند به آن اندازه گسترش پیدا کند که شخص مبتلا را نیازمند مراقبت‌های پزشکی نماید.

در خصوص جبران خسارت‌های معنوی بحث و جدل فراوان وجود دارد. مهم‌ترین ایرادات وارد بر جبران خسارت معنوی را می‌توان عبارت دانست از: ایرادات نظری، ایرادات عملی و ایرادات اخلاقی. ایراد نظری ناظر است بر عدم امکان جبران خسارت و ایراد عملی ناظر است بر عدم امکان یا دشواری تعیین غرامت به وسیله قاضی در خصوص خسارت‌های معنوی و از نظر اخلاقی گفته می‌شود که تعیین مابه‌ازای مالی برای خسارت‌های معنوی از نظر اخلاقی زننده است.^۲

یکی از مصادیق زیان‌های معنوی را می‌توان ترس و هراس ناشی از شیوع بیماری دانست که تا حد زیادی بر کیفیت زندگی افراد اثر گذاشته، آن را از بین می‌برد. این احساس ممکن است اثراتی به مراتب گسترده‌تر و شدیدتر از سایر زیان‌های معنوی یا زیان‌های مادی داشته باشد؛ به گونه‌ای که جبران خسارت آن بحث جدی‌تر و ضروری‌تری را طلب کند. الزام به جبران خسارت‌های معنوی تا حدی است که می‌توان گفت عدم پاسخ‌دهی مناسب به این خسارت‌ها ممکن است منجر به افزایش هزینه‌های ناامیدی در کشور گردد. هزینه‌های مورد بحث از آنجایی که به طور مستقیم بر کیفیت زندگی و ارتباط بین دولت و ملت اثر می‌گذارد، از حیث سیاسی مورد توجه دولت‌ها قرار می‌گیرد.

۱. نیک فرجام، زهره، **جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق**، مبانی فقهی حقوق اسالمی، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۱، ص ۱۰۹.

۲. رک: اصغری آقمشهدی، فخرالدین، **جبران خسارت معنوی در حقوق ایران**، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی سال سوّم، شماره نهم و دهم، سال ۱۳۸۲، شماره ۹ و ۱۰.

با همین توجیه می‌توان جبران این خسارت‌ها را نیز مصداقی از الزامات دولت مبنی بر جبران خسارات معنوی توسط دولت دانست.

به منظور اجرایی کردن این الزام کلی، برخی از راهکارهای پاسخ‌دهی به این خسارت‌ها را می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

- پیش‌بینی مراکز مشاوره: ساده‌ترین پاسخ به هراس ایجاد شده در نتیجه گسترش بیماری کرونا، می‌تواند توسل به متخصصان روانشناسی برای مدیریت کردن بحران روانی ایجاد شده در جامعه باشد. این مراکز در صورت عملکرد مناسب و به موقع می‌توانند به‌ویژه در پاسخ به بحران‌های پس از حادثه مؤثر باشد؛ چرا که برای از بین بردن این وضعیت ناامنی نیاز بسیاری شدیدی به بازگرداندن احساس امنیت به افراد و جامعه وجود دارد و پس از آن باید تلاش کرد تا با مراقبت‌های روانی، فرد را به زندگی عادی برگرداند. این مراکز مشاوره می‌توانند با استفاده از مشاوران و روانشناسان خبره، نسبت به از بین بردن بحران موجود (PTSD)¹ نقش مهم و اساسی را ایجاد نمایند. به علاوه باید توجه داشت، در صورتی که گرایش موجود به سمت حفظ بهداشت فردی در مواقع بحران‌های پزشکی به درستی مدیریت نشود، ممکن است منجر به یک بحران روانی دیگر پس از پایان یافتن وضعیت موجود گردد. افسردگی ناشی از تحمیل فشارهای روانی شاید شایع‌ترین پیامدی باشد که می‌توان در اثر بحران‌های پس از حادثه شاهد آن بود. به علاوه که احتمال بروز و ظهور بیماری وسواس نیز در نتیجه وضعیت موجود، بالا خواهد بود. مدیریت کردن این ریسک‌ها تنها با مشاوره روانی امکان‌پذیر است و نیازهای روانی از این دست از الزامات برون‌رفت از بحران موجود خواهد بود.

- تزریق حس امید در جامعه: گرچه تزریق حس امید کاذب در جامعه آفتی است که می‌تواند جامعه را از حالت آمادگی در مقابله با بحران خارج کند. با این حال هم‌زمان با بیان واقعیت‌های موجود، می‌توان از اشاعه حس ناامیدی در جامعه جلوگیری کرد. امروزه فضای مجازی امکانی مناسب را برای انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی فراهم کرده است. با این حال، از آنجایی که می‌تواند اخبار کذب را نیز در سطح وسیع منتشر نماید، خود

1. Post-traumatic stress disorder.

می‌تواند به صورت هم‌زمان یک عامل مخرب از حیث روانی در جامعه باشد. در خصوص آثار این امر نیاز به اطالۀ کلام نیست، ولی راه مقابله با آن می‌تواند انتشار اطلاعات امیدبخش به شهروندان باشد تا لاقلاً در مبارزه با انتشار ویروس، خود را نیازند. بی‌تردید این موضوع به معنای بحرانی نشان دادن سایر کشورها نیست، ولی بدون پرداختن به اغراق‌ها نیز می‌توان با انتشار اخبار و اطلاعات مناسب، افراد جامعه را در آمادگی لازم نگه داشت. دامن زدن به اخبار مربوط به پیامدهای منفی وضعیت موجود، می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های روانی شود و ناامنی را در جامعه افزایش دهد. از این رو، مدیریت کردن بار روانی اخبار قابل انتشار، می‌تواند تا حد بسیاری در کنترل و البته جبران وضع موجود کمک کند.

- پرهیز از بیان نظرات غیرمنطقی و شفافیت در اطلاع رسانی: پرداخت به یک موضوع آن هم بحرانی زیستی، همچون بحران موجود، نیازمند یک سیاست‌گذاری منسجم است و این سیاست اقتضای آن را دارد که به صورت یکسان اعلام برنامه گردد. بیان کردن ادعاهای طنزگونه‌ای مانند اینکه یک هفته بعد مشکل رفع خواهد شد یا اینکه ویروس چیزی بیش از یک سرماخوردگی ساده نیست و ... نه تنها هراس ایجاد شده را از بین نمی‌برد، بلکه باعث ترس بیشتر از بحران مدیریت می‌گردد. به این معنا که به تدریج جامعه را به این باور می‌رساند که اراده یا توانی برای کنترل وضعیت وجود ندارد.

یکی از اقدامات نسجیده و سازمان‌دهی‌نشده‌ای که می‌تواند هزینه‌ناامیدی کلانی را به جامعه تحمیل کند، انجام اقدامات یا انتشار اخباری است که افراد را به این سو سوق دهد که کسی برای بهبود امور برنامه‌ای ندارد. حتی در مواردی که دشمن جامعه، ویروسی است که از نظر پزشکی برای آن درمانی قطعی یافت نشده است، باید برای مقابله و لاقلاً پیشگیری از آن، سیاست و برنامه منسجمی را ارائه کرد. تعریف این سیاست و نشان دادن آن به شهروندان موضوعی است که اهمیت کمتری نسبت به صرف داشتن چنین برنامه‌ای ندارد. آن‌گونه که در خصوص بحران‌های اجتماعی «باید کاری انجام داد»^۱ در زمینه موضوعات پزشکی که منجر به بحران‌های اجتماعی می‌شود، نیز وضعیت به همین گونه است.

1. Something must be done.

۳. مراجع ذی‌ربط در جبران خسارت

در شرایط کنونی و به منظور جبران خسارت از بزه‌دیدگان در کشور نهادهایی پیش‌بینی شده‌اند که در عمل از نظر حجم کار و تقاضا، ممکن است بازدهی چندانی نداشته باشند، ولی صرف پیش‌بینی و وجود آنها می‌تواند الهام‌بخش و قابل‌تحسین باشد. اگر بیماری کرونا را نیز مصداقی از قربانی شدن بدانیم، می‌توان از فرایند موجود برای جبران خسارت بهره برد؛ با این شرط که توانایی مالی و مدیریتی در نهادهای مجری جبران خسارت وجود داشته باشد. نهادهای موجود و فعال در زمینه جبران خسارت از بزه‌دیدگان عبارت‌اند از:

- واحد دیه دادگستری که در راستای پرداخت بر ذمه بیت‌المال در سال ۱۳۶۳ تشکیل شد. این واحد از بودجه دولتی استفاده می‌کند و وظیفه آن پرداخت دیه در مواردی است که بیت‌المال ملزم به پرداخت دیه است.

- صندوق تأمین خسارت‌های بدنی بیمه مرکزی ایران نهاد دیگری است که به موضوع پرداخت دیه حوادث رانندگی در موارد خاص اقدام می‌نماید. به موجب ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری شخص ثالث برای جبران زیان‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» تأسیس می‌شود.

- ستاد دیه نهاد دیگری است که به عنوان یک نهاد کاملاً دولتی در سال ۱۳۶۹ تأسیس شده و در حال حاضر یکی از فعالیتهای خود را پرداخت دیه قربانیان قرار داده است.

غیر از این سه مورد می‌توان نهادهای دیگری همچون کمیته امداد امام خمینی (ره) یا برخی از کمک‌های موردی نهادهای خاص را نیز به عنوان ظرفیتهای قابل اجرا در راستای کمک به قربانیان نام برد.

با توجه به اینکه تحمیل مسئولیت بیشتر بر این نهادهای فعال می‌تواند آنها را از اجرای وظایف معمولشان نیز دور کند، برای جبران خسارت از قربانیان ویروس کووید-۱۹ باید ظرفیتهای جدیدی را تعریف کرد که البته شرط نخست برای پایداری آنها، پیش‌بینی بودجه و مدیریت مستقل است.

نظر به نوع کمک‌های قابل ارائه می‌توان برخی از نهادهای دولتی را به شرح زیر برای جبران خسارت پیش‌بینی و تعریف کرد:

- **وزارت بهداشت:** به عنوان مرجع اصلی ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، این وزارتخانه می‌تواند متولی ارائه خدمات پزشکی رایگان به مبتلایان باشد. با هر رویکردی که به موضوع نگاه شود، محوریت مدیریت در خصوص بیماری‌ها، اعم از درمان و پیشگیری، با وزارت بهداشت، درمان و امور پزشکی است. در ذیل شرح وظایف این وزارتخانه، بخشی از وظایف آن به این صورت ذکر شده است:

- تدوین و ارائه سیاست‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها و برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مربوط به تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی، پژوهشی، خدمات بهداشتی - درمانی، دارویی، بهزیستی و تأمین اجتماعی.
 - تأمین بهداشت عمومی و ارتقای سطح آن از طریق اجرای برنامه‌های بهداشتی، خصوصاً در زمینه سلامت محیط، مبارزه با بیماری‌ها، تغذیه و تنظیم خانواده، سلامت دهان و دندان، آموزش بهداشت عمومی، بهداشت کار، بهداشت مدارس و شاغلین با تأکید بر اولویت مراقبت‌های بهداشتی اولیه، به ویژه بهداشت مادران و کودکان با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط.
 - ایجاد نظام هماهنگ بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و گسترش شبکه تلفیقی بهداشت و درمان.
 - تعیین رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مورد نیاز کشور جهت تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و اجرای برنامه‌های تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی در راستای دستیابی به خودکفایی.
 - انجام تحقیقات بنیادی و کاربردی در جميع رشته‌های پزشکی و زمینه‌های بهداشتی و درمانی و نیز ایجاد گسترش مؤسسات و واحدهای پژوهش پزشکی و نظارت بر پژوهش‌ها و هماهنگ ساختن برنامه‌های مؤسسات تحقیقات پزشکی.
 - برنامه‌ریزی به منظور توزیع متناسب و عادلانه نیرو.
- با این فرض، در صورتی که مسئولیت دولت برای جبران ناشی از قصور دولت در انجام وظایف بهداشتی خود باشد، به صورت مشخص این قصور ناشی از عملکرد نامطلوب وزارتخانه متولی امور بهداشتی خواهد بود. به علاوه، این وزارتخانه به‌ویژه در زمینه جبران

خسارت‌های روانی می‌تواند از امکانات متعدد خود استفاده کند، بدون آنکه مجبور باشد هزینه‌های مادی چندانی را برای این کار اختصاص دهد.

- **سازمان بهزیستی:** این سازمان را می‌توان به عنوان متولی ارائه خدمات مشاوره‌ای و

روانی دانست. بدون آنکه بار مالی چندانی بر آن تحمیل شود، پیش‌بینی واحدهای مشاوره روانی می‌تواند لااقل به صورت موقت در سازمان پیش‌بینی و تعریف شود تا افراد اثرات ناشی از بحران اجتماعی را با کمک آن رفع کنند. در لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور، هدف از تشکیل آن چنین آمده است: «در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین موجبات برنامه ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و تهیه هنجارها و استانداردهای خدماتی و توسعه دامنه اجرای برنامه‌های بهزیستی در زمینه حمایت خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و ارائه خدمات مختلف به کودکان و تدارک امکانات پیشگیری و توان بخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلول جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفین اجتماعی و حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی‌سرپرست و معلولین غیر قابل توانبخشی و سالمندان نیازمند و آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توان بخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت گروه‌های داوطلب و مؤسسات غیردولتی، سازمان بهزیستی کشور تشکیل می‌شود.»

به طور کلی می‌توان گفت که مدیریت «به‌زیستن» بر اساس این ماده با سازمان مذکور است و به‌زیستن علاوه بر اقدامات لازم به منظور بهبود وضعیت فیزیکی، بهبود وضعیت روانی را نیز شامل می‌شود. به‌ویژه که باید توجه داشت افراد موضوع حمایت این سازمان افراد آسیب‌پذیری هستند که بنا به وضعیتشان بیشتر در معرض ابتلا به ویروس هستند.

- **سازمان تأمین اجتماعی:** همه‌گیری ویروس به‌ویژه در حوزه گردشگری منجر به

بیکاری گسترده در مشاغل مرتبط شده است. به علاوه که قیمت نفت به شدت افت کرده و این موضوع برای کشوری که اقتصاد آن متکی به صادرات نفت است، بسیار دشوار است و بیکاری مضاعفی را ایجاد خواهد کرد. شاید در بسیاری از موارد این بیکاری‌ها به صورت موقتی قابل اجتناب نباشد، ولی می‌توان اقدامات را مدیریت کرد؛ به

گونه‌ای که تبدیل به یک رنج و بحران مضاعف در کشور نگردد. بیکاران افزوده شده بر خیل بیکاران موجود را می‌توان از طریق ارائه کمک‌های اجتماعی توسط یک نهاد متمول یاری کرد یا آنکه مقررات استفاده از مزایای بیکاری را در این سازمان تسهیل کرد به گونه‌ای که بتوان افراد بیشتر را با تشریفات کمتر مشمول این خدمات گردانید. تسهیل و کاهش تشریفات برای استفاده از بیمه بیکاری، کمک به کارفرمایانی که کارگران خود را با وضع موجود حفظ می‌کنند، اعطای مهلت به کارفرمایان برای واریز حق بیمه کارکنان و ... می‌تواند مصداقی از کمک‌های قابل ارائه توسط این سازمان باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان به سادگی و با جرأت ادعا کرد که بیماری همه‌گیر مورد بحث از موارد نیروهای قهریه‌ای است که با توسل به قدرت زیستی خود منجر به قربانی شدن افراد خواهد شد. گرچه این بدان معنا نیست که لزوماً پیامدهای آن منفی و نامطلوب است، به هر حال نمی‌توان از آثار منفی آن بر جسم و روان افراد غافل بود. آثار وارده بر جسم تا حد زیادی قابلیت نمود دارند و از این رو به صورت قطعی می‌توان در خصوص زیان‌بار بودن آن صحبت کرد و انتظار جبران آن را داشت. ولی در خصوص زیان‌های روانی و معنوی موضوع تا حدی جدی‌تر خواهد بود.

نکته قابل توجه اینکه برای پاسخ به وضعیت موجود، می‌توان دولت را با هر کدام از رویکردهای پذیرفته شده در خصوص مسئولیت دولت، درگیر کرد و این درگیری ممکن است به اشکال مختلف ظهور پیدا کند. آنگونه که در جبران خسارت، هدف اصلی بازگرداندن وضعیت به ماقبل حادثه است، می‌توان برای این منظور از اقدامات جبرانی روانی و مادی استفاده کرد تا از طریق آن هم زیان‌های مادی و هم معنوی به شکل شایسته‌ای جبران‌پذیر باشد. این تلاش در سازمان‌های دولتی مختلفی قابل اجراست که برخی از این تلاش‌ها را می‌توان در نهادهای مسئول اقدامات بهداشتی و برخی را در نهادهای خدمات‌رسان اجتماعی پیاده‌سازی کرد. با این حال، مدیریت و بودجه دو شرط اولیه و اساسی برای پایداری مفهوم توسعه از مجرای جبران خسارت از قربانیان است که ضرورت برنامه‌ریزی مستقل را ایجاب می‌کند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. بشیریه، حسین، *عقل در سیاست*، تهران: انتشارات نشر نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۲. تامپسن، کنت، *نظریه دورکیم درباره همبستگی اجتماعی*، ترجمه مهناز مسمی پرست، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۷.

مقاله

۴. اخوان کاظمی، بهرام، *دولت و پدیده قدرت از منظر واقع‌گرایی سیاسی*، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و یکم، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۲.
۵. اصغری آقمشهدی، فخرالدین، *جبران خسارت معنوی در حقوق ایران*، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال سوّم، سال ۸۲، شماره ۹ و ۱۰.
۶. حاجیوند، امین، فرشید صفری، علیرضا میرکمالی و امید سرروی سرمیدانی، *مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست محیطی در ایران ضرورتها و چالشها*، فصلنامه علوم محیطی، دوره شانزدهم، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲.
۷. باقرزاده، محمد رضا، *بختی درباره مسوولیت کیفری دولت*، مجله معرفت، مهر و آبان ۱۳۷۹، شماره ۳۶.
۸. حیدری، غلامحسین، *همبستگی اجتماعی در نگاه اسلام*، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۱۳.
۹. محمدی، حمید، *مسئولیت دولت یا حکومت: تبیین مبانی آن در آموزه‌های فقه و حقوق کیفری ایران*، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیست و یکم، بهار ۹۸، شماره ۶۲.

۱۰. موسوی مجاب، سید درید و علی رفیع‌زاده، **دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی**، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱۳.
۱۱. نیک فرجام، زهره، **جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق**، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۱.